

نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم

دکتر سید وحید عقیلی^۱

تاریخ وصول: ۹۶/۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۲

چکیده:

اینترنت یکی از با نفوذترین فناوری‌های جدید ارتباطی است که همه‌ی ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر عظمت خود قرار داده است و به نوعی همه‌ی ابعاد حیات فردی و جمعی ما متأثر از این تکنولوژی ارتباطی است. توسعه‌ی جوامع به ویژه جوامعی که جهان سوم نامیده می‌شوند یکی از مقولات مهمی است که اینترنت در کند شدن یا تسریع آن تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد. صاحب‌نظران علوم سیاسی معتقدند که اینترنت در بعد توسعه‌ی سیاسی آثار مثبتی مانند انتشار و کسب آزادانه‌ی اطلاعات، تأثیر گسترده بر افکار عمومی و جهت‌دهی به آن، اصلاحات ساختاری کلی و جزئی در جوامع، دموکراسی الکترونیکی، ساماندهی انتخابات و ... را به دنبال داشته است؛ البته اینترنت تبعات منفی همچون تهدید حاکمیت ملی، کوچک شدن حریم انسان و ... را نیز دارد؛ ولیکن در مجموع می‌توان دریافت که اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه‌جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، می‌تواند فضای مساعدی برای احیای ابعاد از دست رفته‌ی مشارکت سیاسی و دموکراسی را فراهم آورد و به این ترتیب بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

مفاهیم کلیدی: اینترنت، توسعه، توسعه‌ی سیاسی

^۱ دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی و مطالعات رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
seyed_vahid_aqili@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

ارتباطات و توسعه یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در عرصه‌ی علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ در سطح جهان است. مطالعات در این زمینه بخصوص پس از جنگ جهانی دوم، مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان و نیز کشورهای جهان سوم قرار گرفته است. این موضوع از آن روی اهمیت و گسترش یافته که فناوری‌های جدید ارتباطی اهمیت روزافزونی به خصوص در توسعه پیدا کرده‌اند اکنون نیز با افزایش کاربران اینترنت در سراسر جهان نقش ارتباطات در توسعه، همچنان مورد توجه صاحب‌نظران می‌باشد. امروزه برای دستیابی به توسعه‌ی سیاسی استفاده از وسایل ارتباط جمعی شرط لازم است، زیرا وسایل ارتباط جمعی از زمان پیدایش تأثیرات شگرفی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع به جا گذاشته‌اند. در این میان، اینترنت نیز دارای نقش غیر قابل انکاری در زمینه‌ی توسعه‌ی سیاسی است؛ بر همین اساس در این پژوهش سعی بر آن است که نقش وسایل ارتباطی نوین خصوصاً اینترنت در توسعه‌ی سیاسی کشورهای جهان سوم مطالعه گردد.

روش‌شناسی پژوهش

برای تبیین موضوع مورد مطالعه، از روش اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش اسنادی عبارت است از کنکاش منظم در اسناد، مدارک و منابعی که حامل حقایق مرتبط با پرسش اصلی پژوهشگر هستند، به منظور نقد، بررسی، کشف حقایق، استخراج، دسته‌بندی، توصیف، تفسیر و تجزیه و تحلیل آنها و در نهایت استفاده از همه‌ی موارد در گزارش نهایی (سام آرام، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

ارتباطات و توسعه

پژوهش در زمینه‌ی ارتباطات و توسعه، بخشی از مطالعات و پژوهش‌های ارتباطی چند دهه‌ی اخیر را تشکیل می‌دهد. پایه و اساس این مطالعات، نظریاتی است که از دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد به‌طور عمده از سوی نظریه‌پردازان غربی، بویژه آمریکایی‌ها مطرح شده است. «در مجموع باید گفت که ارتباطات نقش ویژه‌ای در رشد و ارتقای صنعت و اقتصاد دارد و در حقیقت، سیستم اقتصادی جهان بدون وسایل ارتباطی نمی‌تواند کارایی داشته باشد و می‌توان گفت که بقای اقتصاد جهانی به بقای وسایل ارتباطی وابسته است» (معمدنژاد، ۱۳۷۵).

به این ترتیب، مشخص است که چرا ارتباطات و توسعه به محور دل‌مشغولی سیاست‌مداران، دانشمندان و پژوهشگران جهانی تبدیل شده و نظریات گوناگونی در مورد آن مطرح شده است که اغلب نیز با یکدیگر به چالش برخاسته‌اند. ارتباطات در فرایند توسعه ملی از جنبه‌های گوناگونی دارای اهمیت است: نخست آنکه، وسایل گوناگون ارتباطی از عوامل مؤثر در آگاه‌سازی و هماهنگی و ساماندهی مورد نظر در ارائه‌ی طرح‌های گوناگون توسعه به‌شمار می‌روند و در جلب مشارکت عمومی و همکاری‌های مردمی برای دستیابی به نتایج مطلوب، تأثیری تعیین‌کننده دارند و دوم آنکه، ارتباطات خود نیز به‌عنوان شاخص‌های توسعه مانند درآمد ملی، سطح سواد و رفاه عمومی و همچنین مانند اجزای اصل توسعه مانند آموزش و بهداشت، صنعت و خدمات از جایگاه رفیع و ممتازی برخوردار است. از این‌رو، برای پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطی در کنار زمینه‌های مهم دیگر توسعه، برنامه‌های ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب «ارتباطات توسعه» و «توسعه ارتباطات» در فرایند توسعه لازم و ملزوم یکدیگرند (معمدنزاد، ۱۳۷۵: ۲۱۷). سرانجام اینکه در مورد تأثیرات ارتباطات بر توسعه، دو دیدگاه وجود دارد: نخست، خوش‌بینانه که برای ارتباطات در توسعه نقش مهمی در حد معجزه قائل است و دیگری، بدبینانه که نسبت به کاربرد و استفاده از رسانه‌ها بدبین است و آنها را تضعیف‌کننده ارزش‌های بومی و ملی و عامل بی‌هویتی و از خودبیگانگی می‌داند.

آثار و پیامدهای فناوری‌های ارتباطات

قابلیت‌های بسیار فناوری‌های نوین، از جمله توانایی پردازش اطلاعات از طریق چند رسانه‌ای‌ها، تلویزیون و شبکه‌ها، مرکز توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران ارتباطات قرار گرفته است. همه‌ی این پژوهشگران معتقدند که فناوری سبب پاره‌ای از تغییرات اجتماعی است که در جامعه رخ می‌دهد، اما جهت‌گیری آنان در قبال این نظریه، در دو سوی یک طیف قرار دارد. گروهی با عنوان جبرگرایان، فناوری را تنها عامل و اصلی‌ترین دلیل تغییرات اجتماعی می‌دانند و گروهی برخلاف جبرگرایان، فناوری را یکی از مجموعه عوامل بی‌شماری تلقی می‌کنند که در روند شکل‌گیری و تحولات اجتماعی دخیل بوده است. پژوهشگرانی هم که فناوری را از سایر جنبه‌ها، مانند آثار و پیامدهای اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند، طیف دیگری را تشکیل می‌دهند. در سوی دیگر، گروهی مسحور توانایی فوق‌العاده این امکانات در دستیابی به مقادیر نامحدود اطلاعات، با سرعت بالا و به منظور ایجاد بصیرت، جستجوی اطلاعات و تسهیل همکاری و همسانی

بین کاربران شده‌اند. در نقطه‌ی مقابل، گروهی نیز نقاط تیره‌ی تأثیرات اجتماعی فناوری‌ها را می‌آزمایند و معتقدند که این ابزارها، معایب و تیره‌روزی بشر را افزایش می‌دهند. افراد، آزادی خود را قربانی عاملان تجاری دوستی و فناوری‌ها می‌کنند و به فناوری‌هایی وابسته می‌شوند که آنها را درک نمی‌کنند (فرهنگی و آذری، ۱۳۸۱: ۷۱). به این ترتیب می‌توان گفت که نگرش‌های گوناگونی نسبت به فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات در میان نظریه‌پردازان و پژوهشگران این مقوله وجود دارد که برخی از آنها، به‌طور اجمالی در زیر بررسی می‌شوند.

۱- نظریه جبرگرایی فناورانه

جبرگرایی فناورانه^۱؛ یکی از نظریه‌های فناوری هدایت‌گر در تغییرات اجتماعی است. بنا بر عقیده‌ی جبرگرایان فناورانه، رویدادهای فنی خاص، فناوری یا رسانه‌های ارتباطی و یا گسترده‌تر از آن، فناوری در کل، دلیل اصلی و اولیه‌ی تغییرات در جامعه است و به عنوان شرط اساسی، الگوی سازمان اجتماعی را پی‌ریزی می‌کند. مارشال مک‌لوهان^۲؛ پیشتاز رسانه‌مداری و صاحب نظریه‌ی معروف «رسانه همان پیام است» نخستین کسی است که ادعا می‌کند مجراهای ارتباطات، دلیل اصلی و اولیه‌ی تغییرات فرهنگی هستند و فناوری‌های نوین ارتباطی، زندگی خانوادگی، محل کار، مدارس، مراقبت‌های بهداشتی، روابط دوستانه، مذهب و حتی سیاست را دستخوش تغییر می‌کنند. وی در این باره می‌نویسد: جبرگرایی فناورانه به این معناست که نوآوری‌های فناورانه، بی‌تردید سبب تغییر فرهنگی می‌شوند و به عبارتی، شیوه‌های ارتباطات، زندگی بشر را شکل می‌دهند (آذری، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۲).

۲- نظریه ابزار

از دیدگاه مدافعان نظریه‌ی ابزاری، فناوری تنها نوعی ابزار است که در خدمت کاربران قرار می‌گیرد. جمیز کری^۳ به‌عنوان یکی از متفکران این دیدگاه، در کتاب «ارتباطات به منزل فرهنگ» می‌نویسد: فناوری، فناوری است؛ ابزاری برای برقراری ارتباطات و انتقال در

^۱ technological determinism

^۲ Marshal McLuhan

^۳ James Carey

ورای مکان است ... و نه چیزی بیشتر». در این تفکر، فناوری به نحو عمیقی خنثی است. هیچ‌گونه محتوای ارزشی ندارد و به خودی خود بد یا خوب نیست.

۳- نظریه بنیادی

الول^۱ و هایدگر^۲ از متفکران بنام این دیدگاه هستند، آنان معتقدند؛ فناوری به مثابه نظام فرهنگی جدیدی است که تمامی دنیای اجتماعی را با هدف کنترل، بازسازی می‌کند. فناوری تنها یک ابزار نیست بلکه به محیط زیست و به شیوه‌ی زندگی تبدیل شده است (آذری، ۱۳۸۳: ۷۳). هایدگر در این باره و در مقاله‌ی معروف خود با عنوان «پرسشی در باب فناوری» می‌نویسد: «اما اگر فناوری را امری خنثی تلقی کنیم، به بدترین صورت، تسلیم آن خواهیم شد. زیرا چنین تصویری از فناوری که امروزه بخصوص مورد ستایش است، چشم ما را به کلی بر ماهیت فناوری می‌بندد» (هایدگر، ۱۳۷۳: ۲).

۴- نظریه آرمانی و نظریه ضد آرمانی

قدمت اندیشه‌های آرمانی و ضد آرمانی به ۵۰۰ سال می‌رسد. آرمان‌گرایان و مخالفان آنها، برخی احتمالات خاص اجتماعی را می‌آزمایند و اغلب ورای خود فناوری و روابط مرسوم حرکت می‌کنند. آرمان‌گرایان به امکانات آینده امیدوارند اما ضد آرمان‌گرایان، از پیشامدهای هولناک آینده در بیم‌اند. دیدگاه نخست معتقد است، فناوری تحت شرایطی که همه‌ی کاربران، بسیار هماهنگ و همکار باشند، ایده‌آل عمل می‌کند. کسانی که برای فناوری‌های ارتباطات از واژه‌هایی نظیر موج دوم، موج سوم سپهر اطلاعاتی و محیط هوشمند استفاده می‌کنند، از هواداران این دیدگاه هستند. تافلر^۳ در کتاب موج سوم خود می‌نویسد: «امروزه، ما همزمان با اینکه سپهر اطلاعاتی جدیدی را برای تمدن موج سوم می‌سازیم به یک محیط مرده پیرامون خود می‌پیوندیم که زنده نیست اما «هوشمند» است. کلید این پیشرفت انقلابی البته رایانه است» (تافلر، ۱۳۷۴: ۱۷۸). در مقابل این عده، تعدادی نیز با دیدگاه انتقادی به فناوری‌ها نگاه می‌کنند و آن را مایه‌ی تحقیر و تزییع زندگی اجتماعی می‌خوانند. در این دیدگاه، افراد، کنش‌های متقابل اجتماعی را از دست می‌دهند، خودمختاری و استقلال متخصصان از بین می‌رود، کار تجزیه می‌شود و پالایش

¹ Ellul

² Heidegger

³ Toffler

رایانه‌ای، نظارت نزدیک‌تری را ممکن می‌سازد؛ این گروه که ضد آرمان‌گرایان نام گرفته‌اند، بر این عقیده‌اند که فناوری‌های اطلاعات به منظور نظارت و یا اطلاع‌رسانی نادرست به وجود آمده‌اند. این دیدگاه بیان می‌کند که حریم خصوص زندگی افراد، که شرط ضروری برای دموکراسی مشارکت‌جویانه و آزاد است، به این ترتیب مورد تجاوز قرار می‌گیرد (فرهنگی و آذری، ۱۳۸۱: ۷۵-۷۴).

این دیدگاه معتقد است، ارزش‌های اخلاقی به واسطه‌ی فناوری لطمه می‌بیند و ضایع می‌شود. استفاده از فناوری‌های نوین در خانه‌ها افراد را از محیط اجتماعی دور و مجزا می‌کند و در زندان تنهایی گرفتار می‌سازد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۵).

مفهوم توسعه سیاسی

توسعه‌ی سیاسی در اصطلاح به معنی افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است به عبارت دیگر توسعه‌ی سیاسی فراگردی است که زمینه‌ی نهادی کردن تشکلهای و مشارکت سیاسی آنها را فراهم می‌کند و حاصل آن، افزایش توانمندی افراد، احزاب و گروه‌ها برای مشارکت قانون‌مند در فضای سیاسی جامعه است. با وجود آنکه در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ به ابعاد اقتصادی توسعه‌ی سیاسی توجه می‌شد. از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ پژوهشگران علوم سیاسی به شاخص‌های اجتماعی و سیاسی بیش از عوامل و شاخص‌های اقتصادی اهمیت می‌دادند. در مراحل بعد، توسعه‌ی سیاسی به نحوی با مقوله‌ی فرهنگ سیاسی گره خورد زیرا گروهی از دانشمندان بر این نظر بودند که چنانچه از طریق تجزیه و تحلیل فرهنگ سیاسی جوامع بتوان به متغیرهایی دست یافت که این عناصر را در جهت بهره‌گیری از توانایی‌های نظام برای پاسخگویی بیشتر نسبت به نیازهای جامعه به کار اندازد، می‌توان به تحقق توسعه‌ی سیاسی مطلوب امیدوار بود.

در شناخت و تعریف توسعه‌ی سیاسی، شاخص‌هایی همچون تفکیک و افتراق، شهری شدن، گسترش گروه‌های میانی، تمایز هویتی، گسترش گروه‌های اجتماعی، گسترش نهادهای سیاسی غیر دولتی، نهادینه و پیچیده شدن ساختار سیاسی، عقلانی شدن نظام دیوان‌سالاری، گسترش و کارآمدی دستگاه‌های عقیدتی دولت از قبیل آموزش و پرورش، رسانه‌ها، نهادهای مذهبی و حقوقی، تمرکززدایی، پیدایش فرهنگ سیاسی همگن، گسترش نمادهای مشترک سیاسی به‌عنوان «زبان در ارتباط» گسترش فرهنگ تساهل و مدارای سیاسی، افسون‌زدایی، غیرتابویی شدن دولت و سیاست، تعمیم سیاست و

اجتماعی شدن آن، شکسته شدن پوسته خرده فرهنگ‌های سیاسی به نفع نظم فرهنگی فراگیر، غیر شخصی شدن سیاست، هم‌عرضی قدرت سیاسی با سایر قدرت‌ها در انظار عمومی و از دست رفتن مطلوبیت، گسترش احساس «دولت‌دار بودن» و اعتماد به بالا در جامعه‌ی سیاسی به‌عنوان منشأ مشروعیت عدالت، جامعه‌پذیری و توانایی برای پذیرش مشارکت‌ها، به تمامی مؤید معانی مختلف این مفهوم‌اند. از نظر ساموئل هانتینگتون^۱ «توسعه‌ی سیاسی عبارت است از آفرینش نهادهای سیاسی‌داری ویژگی‌های؛ پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه به عقیده‌ی او مسئله‌ی سیاسی، لنگ لنگان رفتن توسعه‌ی نهادهای سیاسی به دنیای توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی است (امین‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

لوسین پای^۲، لازمه‌ی توسعه‌ی سیاسی را توسعه‌ی اداری و قانونی می‌داند و آن را مترادف نوسازی سیاسی و تجهیز توده‌ی مردم می‌شمرد و مشارکت را لازمه‌ی توسعه‌ی سیاسی تلقی می‌کند. وی در مجموع، افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری و تخصص شدن ساختارها می‌داند و مشارکت سیاسی را نیز لازمه‌ی توسعه‌ی سیاسی می‌پندارد.

جیمز مکمن^۳ افزایش کیفی سیاسی نظام را در تعریف خود مورد تأکید قرار می‌دهد. به نظر وی، توسعه‌ی سیاسی، دستیابی به موقعیتی است که در آن یک نظام سیاسی به جستجوی آگاهانه و موفقیت‌آمیز برای افزوده شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود از طریق ابعاد نهادهای مؤثر و موفق نایل آید (کلمن، ۱۳۷۷).

مشارکت سیاسی

مفهوم مشارکت سیاسی به معنای شرکت دادن کلیه‌ی اعضای جامعه در استقرار و اداره‌ی امور نظام سیاسی است، اشکال مختلف مشارکت سیاسی به صورت شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی، انتخاب حکومت‌شوندگان از طریق رأی دادن و شرکت در انتخابات تجلی می‌یابد. مشارکت سیاسی، دخالت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است که از دخالت و وارد شدن، تا به دست آوردن یک منصب سیاسی را شامل می‌شود. نظریه‌های مهم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی، هر یک به گونه‌ای خاص

^۱ Samuel Huntington

^۲ Lucian Pye

^۳ James Mcmahon

با مفهوم مشارکت برخورد می‌کنند. برای مثال، نظریه‌ی نخبگان، مشارکت سیاسی را به نخبگان محدود می‌کند و برای توده‌ها نوعی بی‌فعالیتی یا تأثیر از دستکاری‌های نخبگان قائل است. اما از دیدگاه کثرت‌گرایان، مشارکت سیاسی یک رفتار سیاسی مهم در تبیین توزیع قدرت و صمیم‌گیری در سیاست‌گذاری تلقی می‌شود (راش^۱، ۱۹۹۲: ۱۱۰).

اساس مشارکت در چهار عامل قرار دارد: محرک‌های سیاسی، جایگاه اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و فضای سیاسی. هر چه فرد بیشتر در معرض محرک‌های سیاسی از قبیل بحث درباره‌ی سیاست، تعلق به سازمان سیاسی و در اختیار داشتن اطلاعات، قرار گیرد، مشارکت بیشتری در مسائل سیاسی دارد. افراد هر چقدر اجتماعی‌تر، سلطه‌جو تر و برون‌گراتر باشند، بیشتر مشارکت می‌کنند. جایگاه اجتماعی از قبیل سطح تحصیلات، محل اقامت، طبقه و قومیت نیز در فرایند مشارکت تأثیر چشمگیری دارد. محیط و فضای سیاسی نیز حایز اهمیت است، زیرا فرهنگ سیاسی می‌تواند مشارکت یا دوری از مشارکت را تشویق کند (همان: ۱۱۶).

اینترنت

سابقه‌ی راه‌اندازی اینترنت، به شبکه‌ی دیگری به نام آرپانت^۲ برمی‌گردد که در سال ۱۹۶۹ میلادی از سوی آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته در وزارت دفاع آمریکا راه‌اندازی شد. شبکه‌ی جهانی اینترنت، یکی از مهم‌ترین نوآوری‌هایی است که بعضی از نظریه‌پردازان برای تأکید بر اهمیت آن، تأثیرات این بزرگراه عظیم اطلاعاتی را مشابه با تأثیرات اختراع چاپ بر زندگی انسان‌ها ذکر کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۰: ۲۰).

توسعه‌ی جوامع بویژه جوامعی که جهان سوم، پیرامونی و توسعه‌نیافته نامیده شده‌اند، یکی از مقولات مهمی است که اینترنت در کند شدن یا تسریع آن تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد. اینترنت منتقل‌کننده‌ی میلیون‌ها پیام است، پیام‌هایی که بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و هویت فرهنگی کاربران در سطح خرد و بر نظام فرهنگی و سیاسی در سطح کلان، تأثیر می‌گذارند. با افراد دیگری که از اینترنت استفاده می‌کنند، به بحث آزاد در مورد موضوعات گوناگون بپردازند و در نهایت، از اطلاعات و اخبار موجود در سایت‌های اینترنتی به صورت گزینشی و بدون داشتن محدودیت‌های رسانه‌های دیگر که برخلاف اینترنت به‌طور عمده یک سویه‌اند، استفاده کنند (جلالی، ۱۳۷۹: ۹۶).

^۱ Rush

^۲ Arpanet

اینترنت، با وجود گستردگی و پیچیدگی، رسانه‌ای بسیار شخصی و خصوصی است. اینترنت از طریق پست الکترونیکی و ارتباط بین فردی از راه گروه‌های بحث و مانند آن (که ممکن است کاملاً آزاد، یا محدود به اعضا باشد) گفتگو و تبادل نظر را تسهیل می‌کند، همچنین نیز دسترسی یک به چند اطلاعات را به‌طور عمده از طرق مختلف و امکان‌پذیر می‌سازد. اما حتی هنگامی که اینترنت به صورت مدل یک به چند عمل می‌کند، دارای قابلیت است که تنها آن را از دیگر رسانه‌های گروهی متمایز می‌کند به این معنی که همواره برخوردار از قابلیت تعاملی است و همین قابلیت تعاملی، زمینه‌های تغییرات اجتماعی و اقتصادی متعاقب را برای آن فراهم می‌کند (دارنلی^۱، ۲۰۰۵: ۴۷).

اینترنت و توسعه سیاسی

صاحب‌نظران علوم سیاسی معتقدند که اینترنت در بعد توسعه‌ی سیاسی، آثار مثبتی همچون انتشار و کسب آزادانه اطلاعات، تأثیر گسترده بر افکار عمومی، جهت‌دهی به اصطلاحات ساختاری کلی و جزئی در جوامع، دموکراسی الکترونیکی، ساماندهی انتخابات و ... به دنبال داشته است. تبعات منفی نفوذ اینترنت در توسعه‌ی سیاسی نیز مواردی مانند تحدید حاکمیت ملی و کوچک شدن حریم انسان‌ها را شامل می‌شود، ضمن اینکه، تحت تأثیر آن، مفهوم دولت تغییر کرده و مفهوم جهان چند مرکزی (نظریه‌ی مرکز، پیرامونی) جایگزین جهان دولت‌محوری شده است حتی با گسترش اینترنت، عده‌ای از دانشمندان نظریه‌ی پایان جغرافیا را مطرح کرده‌اند. حریم شخصی انسان‌ها نیز کوچک‌تر شده است و برخلاف انتظار و تصور همگان، محدوده و حیطة‌ی کنترل دولت‌ها گسترش یافته است. به این ترتیب، بحث در خصوص تأثیرات اینترنت و دیگر اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی بر مشارکت سیاسی به‌عنوان نوعی رقابت بین نظریه‌های تقویت و بسیج، به صورت گسترده‌ای شکل گرفته است (دن زیگر^۲، داتون^۳ و همکاران، ۱۹۸۲ و نوریس، ۱۹۹۹). «فرضیه‌ی تقویت^۴» بیان می‌کند که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، از توزیع کنونی قدرت سیاسی حمایت می‌کنند، چرا که اشخاص و گروه‌های مؤثر که در حال حاضر در روند سیاسی فعال هستند، قادرند انتشار، طرح و استفاده از فناوری‌های جدید را کنترل و

¹ Darneli

² Danzige

³ Dutton

⁴ reinforcement hypothesis

از علایق پایدار خود حمایت کنند. در مقابل، «فرضیه‌ی بسیج^۱» استدلال می‌کند که با وجود تلاش‌های نخبگان، فناوری‌های ارتباطی جدید، هزینه‌ی ارتباطات و درک اطلاعات را کاهش می‌دهند و موقعیت‌های جالب‌تری را برای مشارکت ایجاد می‌کنند. به همین دلیل، باعث تقویت گروه‌های جدید و افزایش مشارکت مردم‌سالارانه می‌شوند و برخی از شبکه‌های سیاسی را می‌گشایند که در غیر این صورت، به سختی قابل نفوذ هستند.

کشورهای جهان سوم و اینترنت

کشورهای جهان سوم کشورهایی هستند که دارای پیشینه‌ی استعماری بوده و اکثراً تک‌محصولی‌اند و ویژگی اکثر آنها درآمد پایین، ضعف در روابط بازرگانی خارجی، محرومیت اجتماعی قشرهای عمده‌ی جامعه و آزادی‌های سیاسی و مدنی محدود می‌باشد. برای کشورهای جهان سوم عناوین دیگری نظیر کشورهای عقب‌مانده، در حال توسعه، توسعه‌نیافته، کم‌رشد، فقیر، وابسته، پیرامونی و ... نیز استفاده می‌شود که گسترش دسترسی این کشورها به اینترنت، از طریق دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، صاحب‌نظران و کارشناسان ارتباطات و توسعه مورد تأیید قرار گرفته است. عقیده‌ی اکثر قریب به اتفاق آن است، که اینترنت و فناوری‌های وابسته ارتباطات دور را باید، به‌عنوان زیرساخت ملی، راهبردی قلمداد کرد. برقراری این‌گونه زیرساخت‌های راهبردی برای کشورهای در حال توسعه، حیاتی به نظر می‌رسد. به طوری که ارتباطات می‌تواند باعث بهبود بهره‌وری اقتصادی، حاکمیت، آموزش، بهداشت، سلامتی و کیفیت زندگی به ویژه در مناطق حاشیه‌ای شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اتصالات وسیع‌تر در درون کشورهای جهان سوم باعث بهبود زیرساخت اطلاعات کلی در این کشورها می‌شود و در نتیجه، تغییرات مثبتی را در بهبود سیاسی ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد که جریان نابرابر اطلاعات بین کشورهای مرکز و پیرامون عرصه‌ی فناوری‌های ارتباطی و از جمله اینترنت کشیده شده و مشکلات موجود را به دغدغه‌ی جوامع مختلف، به ویژه جوامع توسعه‌نیافته تبدیل کرده است؛ اما کمبود زیرساخت‌ها مانع بزرگی بر سر راه افزایش دسترسی به اینترنت در جوامع جهان سومی است که تجدید نظر در سیاست‌گذاری‌های ارتباطی به ویژه در حوزه‌ی تلفن و ... را ضروری ساخته است. عامل دیگر، غالب بودن زبان انگلیسی در اینترنت است، بر اساس نتیجه‌ی پژوهشی که در مؤسسه‌ی جامعه‌ی اینترنت انجام گرفته، بیش از ۸۰٪ صفحات اینترنت به انگلیسی نوشته شده، در حالی که فقط زبان مادری ۵۷٪ کاربران انگلیسی است.

^۱ mobilization hypothesis

نتیجه‌گیری

فناوری اینترنت با تمام جنبه‌های مختلفی که دارد، به‌عنوان برترین و شاخص‌ترین نماد ارتباطات مدرن در قرن ۲۱ مطرح است که فضای حاکم بر آن، بازنگری در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و به ویژه سیاسی را لازم می‌دارد. وسایل ارتباط جمعی، با ایجاد مشارکت، به تصمیم‌گیری بهتر کمک می‌کند تا نقش خود را در توسعه ایفا کنند. دوسلاپول معتقد است: رسانه‌های جمعی می‌توانند خارج از چهارچوب تفاوت نظام‌های سیاسی و تنها به دلیل نقش خود در جامعه، بر توسعه‌ی سیاسی اثر بگذارند، زیرا محل و مجرای انتقال مباحثی هستند که در نهایت می‌تواند به صورت عمومی در سطح وسیع جریان یابد و اینترنت نیز از این قاعده مستثنا نیست. انتشار آزادانه اطلاعات، شکل‌دهی فوری به افکار عمومی، توسعه‌ی اصلاحات سیاسی، تأثیرگذاری بر انتخابات، ایجاد و توسعه‌ی دموکراسی الکترونیکی از طریق گفتگو با تصمیم‌گیران سیاسی و شهروندان و نیز تهدید حاکمیت ملی، مفاهیمی جدی هستند که در زمینه‌ی توسعه‌ی سیاسی مطرح هستند. با توسعه‌ی اینترنت، مفهوم دولت تغییر کرده است و جهان چند مرکزی (نظریه‌ی مرکز، پیرامونی) جایگزین جهان دولت‌محور شده است؛ چنانکه حتی به نظر می‌رسد با رشد اینترنت نظریه‌ی پایان جغرافیا را نیز می‌توان مطرح کرد. از طرف دیگر، حریم شخصی انسان‌ها کوچک‌تر شده است و برخلاف انتظار و تصور همگان، محدوده و حیطه‌ی کنترل دولت‌ها گسترش یافته است.

از مجموع مباحث ارائه شده می‌توان دریافت که مطالعه درباره‌ی اینترنت، سیاست و توسعه‌ی سیاسی، از فعال‌ترین حوزه‌های پژوهش و مطالعه در ارتباطات سیاسی به‌شمار می‌آید با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه‌جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسورگریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته‌ی مشارکت سیاسی و دموکراسی در جوامع پیشرفته و تقویت مردم‌سالاری در جوامع در حال توسعه می‌دانند.

در مجموع می‌توان گفت که اینترنت بستری مناسب برای گسترش توسعه و مشارکت سیاسی است. رسانه‌های نوین ارتباطی مانند اینترنت، مهارت‌ها و عوامل تازه‌ای را در مبارزات سیاسی وارد کرده‌اند و استفاده از آنها ممکن است آثار مربوط به توزیع مجدد را هم در پی داشته باشد و نفوذ نسبی گروه‌های مختلف اجتماعی را در جامعه تغییر داده و باعث مشارکت گروه‌های مختلف در مشارکت سیاسی گردد.

فهرست منابع:

- آذری، غلامرضا (۱۳۸۳). "مقدمه‌ای بر اصول علمی - آموزشی رسانه‌ها"، فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش، شماره‌ی ۱۶.
- آسابرگر، آرتور (۱۳۷۸). "تحقیق کتابخانه‌ای و مخاطبان گفتگوهای رادیویی"، ترجمه‌ی افسانه موفقی، فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.
- امین‌زاده، محسن (۱۳۷۶). "توسعه‌ی سیاسی"، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۱۷ و ۱۱۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نی.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۴). موج سوم، ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی، تهران: آسمان.
- جلالی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). "نقش اینترنت در جهان آینده"، فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش، شماره‌ی ۷.
- دارنلی، جیمز (۱۳۸۴). جهان شبکه‌ای: درآمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه‌ی اطلاعاتی، ترجمه‌ی نسرين امین دهقانی و همکاران، تهران: چاپار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات.
- سام آرام، عزت‌اله (۱۳۷۸). "نیاز صدا و سیما به تحقیق اسنادی"، فصلنامه‌ی پژوهش و سنجش، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۰). از آغاز تا روزگار اینترنت، دروازه‌بانی در رسانه‌های خبری جهان، روزنامه ایران.
- فرهنگی، علی‌اکبر و آذری، غلامرضا (۱۳۸۱). مبانی ارتباطات، تهران: سنجش.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه‌ی اطلاعاتی، تهران: دیدار.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۷۵). ارتباطات و توسعه‌ی ارتباطات در ایران (مجموعه مقالات)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۳). "پرسش از تکنولوژی"، ترجمه‌ی شاپور اعتماد، فصلنامه‌ی ارغنون، ۱ (۱).